



گزارش جلسه‌ی دید و بازدید نوروزی



بر اساس برنامه‌ی تنظیم و اعلام شده توسط هیأت مدیره‌ی جلسه‌ی «دید و بازدید نوروزی» هیأت مدیره و اعضای سازمان، در تاریخ ۹۸/۱/۲۴ در سالن قوام‌الدین شیرازی ساختمان شماره‌ی ۲ سازمان برگزار شد.

در دستور این جلسه پیش‌بینی شده بود تا تنی چند از پیش‌کسوتان و صاحب‌نظران در امور سازمان با اعضای حاضر سخن بگویند. موضوع سخن‌ها را از قبل مشخص کرده بودند و به هر سخن‌گو، ده دقیقه فرصت داده بودند تا صحبت‌های خود را به انجام برسانند. مجری برنامه، آقای مهندس علوی زاده دبیر هیأت رییس بود که در پینابین سخنان، اشعاری از شعرای قدیم و جدید (به ویژه شادروان فریدون مشیری) را با صدای خوب خود می‌خواند. در میانه و پایان برنامه هم اجرای موسیقی بود.

با ذکر آن که آقای مهندس حبیب‌اله پورعبداله درباره‌ی مراسم و روز و پیشینه‌ی باستانی آن و آقای مهندس احمدعلی مشکسار درباره‌ی «نوروز و حافظ» صحبت کردند.

در این جلسه، رییس سازمان جناب آقای مهندس سیف‌زاده پس از تبریک فرارسیدن نوروز و سال نو و آرزوی سلامتی و موفقیت همکاران، گزارش فشرده‌ای از فعالیت‌های هیأت مدیره ارائه نمود و با تأکید بر تعامل مثبت با دستگاه‌های اجرایی اقدامات پنج‌ماه گذشته هیأت رییس و هیأت مدیره را تشریح نمودند. ایشان بر تنسيق امور مهندسان در ارائه‌ی خدمات مهندسی تأکید نموده، جلب مشارکت اعضا را به عنوان اولویت‌های کاری هیأت مدیره برشمرد و از همکاران درخواست کرد تا پیشنهادهای و انتقادهای خود را به ایمیل PR@FCEO.IR ارسال نمایند.

چکیده‌ی گفتار سخن‌رانان در جلسه که به دفتر نشریه فرستاده شده، برای آگاهی خوانندگان، درج می‌گردد.



«به نام آن که جان را فکرت آموخت»

سیدمصطفی شریفی



با درود بر شما گرامیان،

فالی زدم به «حافظ» و خوب است فالتان

به تر ز سال پیش شود روزگارتان

سالی که رفت با همه بالا و زیر رفت

بادا خجسته سال نو و نو بهارتان

حافظ وصال می‌طلبد از ره دُعا

باشد که مُستجاب شود هر دُعایتان

گفته‌اند ده دقیقه درباره‌ی تاریخ سازمان نظام مهندسی صحبت کنم. مگر می‌شود تاریخ پُر از فراز و نشیب بیش از ۲۵ سال از شکل‌گیری سازمان را تا امروز که با تاریخ شهر و دیار و کشورمان هم درآمیخته است، در ده دقیقه (که بر آن تأکید هم کردند) بازگو کرد؟ پس در دو بخش کوتاه مواردی را خدمتان ارائه می‌دهم. با امید آن که مفید افتد.

نخست آن که سازمان فارس به شهادت همه‌ی دست‌اندرکاران و مسئولان، در همه‌ی دوران خود در زمره‌ی بهترین‌ها ارزیابی شده و تقدیرنامه‌های بی‌شماری را نیز دریافت کرده است. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل آن، این بوده است که ما در شیراز از سال ۱۳۶۳، «جامعه‌ی مهندسیین فارس» را داشتیم. بنابراین، هنگامی که در سال ۱۳۷۰ نخستین دوره‌ی سازمان‌های نظام مهندسی آغاز به کار کرد، سازمان‌های استان فارس از تجربه‌ی نسبتاً خوب و نیروهای کارآموده برخوردار بود که با همراهی شهرداری شیراز، دفتر فنی استانداری و اداره‌ی کل مسکن و شهرسازی فارس توانستند به سرعت به اهداف قانونی سازمان‌ها که در عمل بخش عمده‌ی آن پیشاپیش در جریان بود بپردازند.

در نخستین دوره در هر استان دو سازمان «نظام مهندسی معماری و شهرسازی» و «ساختمان و تأسیسات» را داشتیم که بر اساس قانون سال ۱۳۵۲ و اصلاحیه‌ی سال ۱۳۵۶ بر آن، فقط در یازده استان تشکیل شد.

در سال ۱۳۷۱ قانون آزمایشی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که به موجب آن سازمان‌های پیش‌گفته درهم ادغام شدند و «سازمان نظام مهندسی ساختمان» را تشکیل دادند. انتخابات برای این دوره در اسفند ماه ۱۳۷۲ انجام و سازمان‌ها در بیست استان از

جمله در تهران، تشکیل شدند.

کارهای زیربنایی بسیاری در این دو دوره در سازمان فارس انجام شد. آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های بسیاری تدوین و به مراجع مربوط پیشنهاد شد که بخش قابل توجه آن‌ها مبنای قانون سال ۱۳۷۴ مصوب مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن مصوب سال ۱۳۷۵ هیأت وزیران گردید.

پس از تصویب قانون فعلی (مصوب ۱۳۷۴) و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، نخستین دوره‌ی سازمان با قانون جدید یا دائمی در سال ۱۳۷۶ تشکیل گردید و بر این مبنای دوره‌ای که هم‌اکنون در خدمت بزرگواران هیأت مدیره هستیم، دوره‌ی هشتم نامیده می‌شود (که عملاً دوره‌ی دهم است).

شرح کارهای انجام شده در این دوران را می‌توان به تفصیل در نشریه‌های «گزارش سازمان» که از همان نخستین روزهای تشکیل نخستین دوره در سال ۱۳۷۰ بنیان‌گذاری شد، مشاهده و مطالعه کرد. مطالعه‌ی شماره‌هایی که خواهم گفت و در آن‌ها شرح فعالیت‌ها و خدمات انجام شده در دوره‌های مختلف به صورت مشروح آمده است را به علاقه‌مندان پیشنهاد می‌کنم که در آرشیو کتابخانه‌ی سازمان هم موجود است:

نشریه‌ی شماره ۱۰ (خرداد ۱۳۷۲)، شماره‌ی ۱۹ (آبان ۱۳۷۶)، شماره‌ی ۲۲ (آذر ۱۳۷۷) مربوط به تشکیل شورای مرکزی، شماره‌ی ۲۶ و ۲۷ (تیرماه و پاییز ۱۳۷۹) مربوط به انتخابات دوره‌ی دوم و ساخت ساختمان شماره‌ی یک سازمان، شماره‌های ۳۸ و ۳۹ (پاییز و زمستان ۱۳۸۲)، و سایر شماره‌ها.

بعضی از کارهای کلیدی و اساسی انجام شده در این دوران که به صورت شفاف و تفصیلی در نشریه‌های یاد شده و سایر شماره‌ها آمده است، عبارتند از:

تأسیس «نشریه‌ی گزارش سازمان»، ساختن ساختمان شماره‌ی یک و استقرار سازمان در آن، تشکیل کانون کاردان‌ها، تشکیل شورای مرکزی که سازمان فارس نقش عمده‌ای در تشکیل آن داشت و در نخستین دوره‌ی آن (در سال ۱۳۷۷)، ما چهار نماینده در آن داشتیم و دبیر اولی آن نیز به مدت شش سال (دو دوره) در اختیار ما بود، تأسیس دفاتر نمایندگی لار، جهرم، مرودشت، کازرون و فسا و ...؛ تدوین آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های لازم برای اجرای قانون و آیین‌نامه از جمله: تهیه‌ی اساس‌نامه‌ی مشترک برای سازمان‌ها، تهیه و تنظیم منشور اخلاقی مهندسان، آیین‌نامه‌ی رسیدگی به تخلفات و چگونگی تعقیب متخلفان در شورای انتظامی، نقد و بررسی کارشناسی مباحث مقررات ملی ساختمان و قانون و آیین‌نامه و دستورالعمل‌های صادره، بسترسازی برای اشتغال مهندسان از طریق اجباری شدن طراحی و نظارت و اجرا برای همه‌ی رشته‌ها و در همه‌ی ساختمان‌ها توسط مهندسان دارای پروانه‌ی اشتغال، انجام نظارت عالی در شیراز و سایر شهرهای فارس، تشکیل تعاونی مسکن و صندوق رفاه برای مهندسان، تهیه‌ی فرم‌ها و سربرگ و مهر و کارت عضویت برای اعضا، تدوین آیین‌نامه‌ی کارشناسان ماده‌ی ۲۷، تدوین شرح خدمات مهندسان، برگزاری آزمون‌های ورود به حرفه و ارتقای پایه و کارشناسان ماده‌ی ۲۷ و مهم‌تر از همه، برگزاری دوره‌های آموزشی برای مهندسان، کاردان‌ها و کارگران



ماهر و برگزاری دوره‌های آموزشی برای پیمانکاران شخص حقیقی با همکاری انجمن شرکت‌های ساختمانی، دانشگاه جامع تکنولوژی و سازمان برنامه و بودجه و بسیاری کارهای دیگر که شرح آن‌ها در نشریه‌ها آمده است. فقط اشاره کنم به عنوان مثال در دوره‌ی آزمایشی به موازات جلسه‌های هیأت مدیره و شورای انتظامی بر اساس آمار ثبت شده، ۸۳۰ جلسه حداقل دو ساعتی توسط مهندسان در کارگروه‌های مختلف برگزار شده و یا در دوره‌های یکم و دوم بر اساس قانون فعلی، بیش از ۵۵/۰۰۰ نفر ساعت کار فکری - مهندسی توسط اعضای سازمان انجام گرفته است تا سازمان چنان پا بگیرد که در سطح کشور همواره پیش‌تاز باشد. لازم است سیاست‌گذاری کنم و یادآور شوم که تمام این صرف وقت‌ها و جلسه‌ها بدون پرداخت حق الزحمه و حق جلسه و به صورت افتخاری بوده است. اعضای هیأت مدیره، شورای انتظامی و کارگروه‌ها هیچ حق جلسه‌ای نگرفته‌اند. فقط به مدرّسان و گروه‌های نظارت عالی مبالغ جزئی برای هزینه‌هایشان پرداخت می‌شد که بعضاً آن را هم برای تقویت سازمان برمی‌گرداندند. به عنوان مثال ساختمان شماره‌ی یک سازمان را با نداشتن بودجه و با اتکا به کمک و همراهی مهندسان و شرکت‌های ساختمانی شروع کردیم و به پایان بردیم. در این بخش به همین مقدار بسنده می‌کنم و فقط به اعضای سازمان تأکید می‌کنم که هیأت مدیره به تنهایی نمی‌تواند همه‌ی کارها را پیش ببرد، هم‌چنان که در مقیاس بزرگ‌تر دولت‌ها هم نمی‌توانند بدون همراهی مردم موفق باشند و مصادیق آن را در هنگام بروز سوانح و حوادث مختلف می‌بینیم.

عزیزان و بزرگواران! برای پیروزی و بهروزی، هیأت مدیره را تنها نگذاریم و هر آن‌چه از دستمان بر می‌آید برای همراهی و همکاری با آنان دریغ نکنیم و بزرگی و اعتلا و منافع خود را در بزرگی و موفقیت سازمان جستجو کنیم، همان‌گونه که در زمان‌های دورتر انجام دادیم و نتیجه گرفتیم.

و اما در بخش دوم، روی سخنم با اعضای هیأت مدیره است. پیشاپیش بگویم که من باور دارم همه‌ی هیأت مدیره‌های دوران مختلف تاکنون در حدّ توان و امکانات و بینش و دانش خود برای پیش‌برد اهداف سازمان کوشیده‌اند و به قول «حافظ»، بر مُتتهای همت خود نیز کامران بوده‌اند. اگر انحرافی هم در این مسیر پیش آمده، شاید به دلیل روش‌های اجرا و شرایط و جبر روزگار بوده است که در ابتدای سخن هم اشاره کردم، تاریخ سازمان از تاریخ و وقایع شهر و دیارمان جدا نبوده و نخواهد بود، ولی به هر حال، می‌توان و باید از یک نقطه برای اصلاح امور شروع کنیم که خوش‌بختانه به نظر می‌رسد در این دوره در دستور کار قرار گرفته است. چند مورد را اشاره می‌کنم که به نظر من باید مورد توجه قرار گیرد.

* بدانیم که وجود ما به دلیل حضور اعضای سازمان است و در واقع، آن‌ها کارفرمایان ما هستند. پس رفتارمان با اعضا با رعایت شئون مهندسی و مهندسان باشد که موجب مشارکت بیشتر آنان در امور سازمان خواهد بود؛

* از ورود به سیاست و جناح‌بندی‌ها و تبلیغات غیرضروری تا حدّ امکان پرهیز کنیم تا بتوانیم استقلال و عدم وابستگی سازمان را

حفظ کنیم. خوش‌بختانه، به اندازه‌ی کافی رشد کرده‌ایم که نیازی به تبلیغات نداشته باشیم؛

* سازمان ما یک سازمان حرفه‌ای و اسماً مردمی و غیرانتفاعی است. اهمّ وظایف و اختیارات ما در ماده‌ی ۱۵ قانون و ماده‌ی ۷۳ آیین‌نامه‌ی اجرایی آمده است، به آن‌ها بپردازیم و امور اجرایی و درآمدزایی و اشتغال و موارد صنفی و مشابه آن‌ها را به انجمن‌های صنفی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط واگذاریم؛

* امیدوارم این وقت و انرژی فراوان که برای تشکیل جلسه‌های مختلف با مسئولان و دست‌اندرکاران امور سازمان می‌گذاریم، پی‌گیری شود تا به نتیجه‌ای مطلوب برسد و گرنه نوعی اتلاف وقت و منابع، و بازدارنده‌ی ما از پرداختن به موارد اصلی خواهد بود.

در خاتمه، در رابطه با سیل اخیر در شیراز و سایر استان‌ها، ضمن ابراز تأسف و آرزوی شکست‌ناپذیری و بُردباری برای حادثه دیدگان، متأسفانه همیشه بعد از بروز حوادث به فکر چاره می‌افتیم و بعد از رفع مشکل، چاره‌جویی را فراموش می‌کنیم تا حادثه‌ی دیگری اتفاق افتد. اگر به نشریه‌های سازمان مراجعه شود، می‌بینیم که بارها و بارها درباره حوادث طبیعی و خودساخته مانند زلزله، برف، سیل، طوفان، آتش‌سوزی‌ها، بی‌آبی‌ها و موارد دیگر گفته‌ایم و نوشته‌ایم و راه‌حل‌ها را پیشنهاد داده‌ایم. توصیه‌ام آن است که اگر از ما به عنوان یک سازمان حرفه‌ای بررسی کارشناسی و فنی موارد را خواستند، هیچ خطّ قرمزی نداشته باشیم و تنها نظر علمی و فنی و کارشناسی خود را به مسئولان ارائه دهیم و رعایت ملاحظات را به آنان واگذاریم.

از این‌که بعد از گذشت حدود بیست سال از دوران مسئولیت مستقیم خود در سازمان، این فرصت را دادید تا چند کلامی با اعضای سازمان هم صدا شوم، سپاسگزارم و پیروزی و بهروزی تان را در پیش‌برد اهداف سازمان آرزو دارم.

سازمان نظام مهندسی ساختمان دیروز، امروز، فردا

اردشیر دیلمی



سازمان نظام مهندسی ساختمان، برآیند کوشش و پی‌گیری بیش از ۲۵۰۰ ساله‌ی مهندسان، معماران، فن‌شناسان و استادکاران این کشور برای گردآمدن در یک تشکل حرفه‌ای فراگیر و نهادینه با انگیزه‌ی پیشرفت ساخت‌وساز و پاس‌داشت آیین دیرپای مهندسی این مرز و بوم است. هرچند در گذشته، انجمن‌ها، سندیکاها، اتحادیه‌ها و تعاونی‌های خودجوش گوناگونی برپا شده است، ولی

هیچ یک گستری فراگیری و ویژگی نهادینگی سازمان نظام مهندسی ساختمان را نداشته است. نگرش به این نکته، مسئولیت ما برای نگه‌داری جایگاه ارزشی سازمان و کوشش در راه پیشرفت آن را دوچندان می‌کند.

«دیروز» سازمان را می‌توان به دو دوره بخش کرد. دوره نخست، دربرگیرنده‌ی ده سال نخست پس از ابلاغ رسمی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان است که در آن، سازمان و ارکانش شکل گرفت و جایگاه سازمان در ساختار رایج ساخت‌وساز کشور گام به گام و با گذر از چالش‌های فراوان نهادینه شد. این دوران با بهره‌گیری از ویژگی‌های زیر، دوران رشد کمابیش هماهنگ کمی و بالندگی کیفی سازمان بود، هرچند کاستی‌های ویژه‌ی خود را هم به همراه داشت:

- عشق و علاقه‌ی حرفه‌ای اعضا به سازمانی که برای تشکیل آن سال‌ها کوشیده بودند؛
- خودجوش بودن و وظیفه دانستن حضور، همکاری و مشارکت اعضا در سازمان برای انجام کارها؛
- آلوده نشدن سازمان به مناسبات مالی، تجاری و بده و بستان‌های سیاسی و اداری؛

- محوری بودن نقش آموزش و کارهای گروهی در سازمان؛
- موفقیت چشم‌گیر تشکلهای مهندسی شیراز (قبل از تشکیل سازمان) در پیاده کردن بسیاری از ضوابط نخستین ویرایش استاندارد ۲۸۰۰ در ساخت ساختمان‌های بنایی (پس از وقوع زلزله‌ی رودبار و منجیل) که به شکل یک سرمایه‌ی فنی و خودباوری حرفه‌ای ارزشمند در اختیار سازمان قرار گرفت.

دوره‌ی دوم که از نیمه‌های دهه هشتاد شروع شد و تا «امروز» ادامه دارد، دوران رشد چشم‌گیر تعداد اعضا و افزایش داشته‌های مالی و دیگر امکانات سازمان است که شوربختانه با رشد متناسب کیفی آن همراه نشد. عوامل تأثیرگذار بر گرایش نزولی سازمان در این دوره، در درجه‌ی نخست به شرایط جدید سیاسی و اقتصادی کشور مربوط می‌شد ولی ساز و کارهای داخلی زیر نیز در پیدایش آن نقش داشت:

- رواج نگرش‌های صنفی - پوپولیستی در سازمان که خود بازتابی از گرایش‌های جدید سیاسی و اقتصادی کشور بود؛
- جایگزین شدن بعضی از مسئولان حرفه‌مند و دلسوز در وزارت‌خانه‌ها و دیگر نهادهای کارگزار ساخت‌وساز، با آنان که وجود یک سازمان حرفه‌ای مسئول را در تعارض با منافع خود می‌دیدند.
- ابلاغ شیوه‌نامه‌ی ماده‌ی ۳۳ و سپس، ویرایش نخست مبحث دوم مقررات ملی ساختمان که تیر خلاص را بر اندام در حال رشد سازمان شلیک کردند؛

- وجود نداشتن یک برنامه تدوین شده و مشخص برای آشنا کردن هزاران عضو جدیدی که هر سال وارد سازمان می‌شدند با اصول و معیارها و اخلاق حرفه‌ای و نگذاردن دوره‌های آموزشی لازم برای فراگیری کمیته‌ی اطلاعات فنی - کاربردی مورد نیاز برای پذیرش مسئولیت‌های حرفه‌ای توسط این تازه واردان؛

- نفوذ گام به گام گرایش‌ها و افکاری که بر آن بودند تا سازمان نظام مهندسی ساختمان را از یک تشکل حرفه‌ای مسئول به یک بنگاه اقتصادی، به گفته‌ی خودشان سودآور تبدیل کنند؛

- ابلاغ شیوه‌نامه‌های اشتباه برای پاسخ‌دهی روزمره به مشکلات فرارو، بی‌نگرش به پیامدهای آن‌ها، مانند جایگزین کردن کارآموزی بایسته‌ی نوشته شده در آیین‌نامه‌ی اجرایی قانون با فرم‌های تأییدیه‌ی دو امضایی.

برآیند این دو دوره، سازمان نظام مهندسی ساختمان را به شرایط و وضعیت کنونی رسانیده است. اکنون دو راه فراروی ما قرار دارد و «فردای» سازمان بستگی به آن دارد که کدامین راه را برگزیند.

- راه نخست، که با مجموعه‌ی شرایط کنونی کشور، هم‌خوانی بیش‌تری دارد، ادامه‌ی پیمایش راه در همین مسیر کنونی است. مسیری راحت و بی‌دردسر که با سنگ‌های سنگین محافظه‌کاری فرش شده است، ولی ادامه‌ی آن، روز به روز سازمان را شکننده‌تر و از درون تهی‌تر می‌کند تا جایی که بدخواهان و مخالفان سازمان نظام مهندسی در زمان مناسب خواهند توانست با تلنگری آن را فرو ریزند. این افراد وجود سازمان‌های نظارتی مسئول و هر نوع مقررات فنی - حرفه‌ای حاکم بر ساخت‌وساز را به عنوان سنگی مزاحم فراراه برآورده شدن منافع بی پایان خود می‌بینند که باید هر چه سریع‌تر برداشته شود. مسئله‌ی امروز آن‌ها اصلاح سازمان نظام مهندسی ساختمان نیست، بلکه اصل موجودیت آن است. در این روزها که اعضای شورای مرکزی و هیأت مدیره‌ی سازمان‌های استان‌ها همه‌ی وقتشان صرف کارهای تکراری روزمره می‌شود، این جریانات، با گردآوری عوامل و جلب و جذب انجمن‌ها و سازمان‌های هم‌سو و هم‌فکر با خود، از هم اکنون برای فتح کمیسیون عمران مجلس آینده برنامه‌ریزی می‌کنند.

مهم‌ترین دستور کار آن‌ها در این کمیسیون، تضعیف گام به گام سازمان نظام مهندسی ساختمان تا مرحله‌ی حذف کامل آن است. مهم‌ترین سلاح آن‌ها برای پیاده کردن این برنامه، خط بطلان کشیدن و سانسور مطلق همه‌ی دستاوردهای سازمان و بزرگ‌نمایی و برجسته کردن ضعف‌ها، اشتباهات و نواقص آن است، هرچند پدید آورنده‌ی اصلی بسیاری از این نابسامانی‌ها و چالش‌ها هم خودشان بوده‌اند؛

- راه دوم، به خود آمدن سازمان، نقد درونی جانانه و غیرجانبدارانه‌ی بیست و پنج سال گذشته‌اش و گشایش راهی نو برای ادامه‌ی حرکت سازمان است. سازمان نظام مهندسی ساختمان نباید ساز و کارهای نقد درونی و اصلاح‌گرش را دو دستی تقدیم مخالفانی کند که می‌خواهند از آن‌ها به عنوان سلاحی ویران‌گر برای نابودیش استفاده کنند. انتخاب این راه نیازمند شجاعت و از خود گذشتگی سازمانی، پشت پا زدن به پوپولیسم صنفی و گردآوری و بهره‌گیری از همه‌ی توان و امکانات سازمان برای تعیین نقشه‌ی جدید راه است. گام نهادن در این راه دوم باید با نگرش به دو اصل بنیادین زیر همراه باشد:

۱- شناخت درست جایگاه و نقش مهندسان در توسعه‌ی همه جانبه‌ی پایدار کشور. بخشی از ساختار قدرت (تعدادی از سیاست‌مداران و اقتصاددانان و دیگر نظریه‌پردازان آن‌ها) بر این باورند که نقش اجتماعی مهندسان، همانند دیگر حرفه‌ها، تنها یک نقش خدمات‌رسانی برای برآورده ساختن برخی نیازهای کشور است.





اندک این جلسه مجال وارد شدن به آن را نمی‌دهد. آنچه در این جلسه قابل طرح است، بیان پاره‌های نیازها و ساز و کارهای در دسترس ما برای پرداختن به این موارد است. نخستین نیاز کنونی سازمان، اصلاح ریشه‌ای و بنیادین قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن است. این قانون، که در زمان تهیه و ابلاغش، با وجود ضعف‌های فراوان، یکی از پیشروترین قانون‌های کشور بود، به علت دگرگونی‌های فراوان سیستم ساخت‌وساز و تغییرات کمی و کیفی مهندسان ارائه دهنده‌ی خدمات مهندسی در بیست و پنج سال گذشته، نیاز به بازنگری بنیادین دارد. چند سالی است که وزارت راه و شهرسازی، کمیسیون عمران مجلس و شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی درگیر تهیه و ویرایش جدید قانون هستند. آنچه از برآیند کوشش‌های این بزرگواران منتشر شده و به دست ما رسیده است، هیچ بارقه‌ای از امیدواری به این که قانونی پیشرو تهیه و ابلاغ کنند، پدید نمی‌آورد. قانونی که بتواند با درس‌آموزی از تجربیات گذشته و آسیب‌شناسی علمی سیستم کنونی ساخت‌وساز کشور، برای یک دوره‌ی بیست، سی ساله‌ی دیگر نظام ساخت‌وساز کشور را در جهت منافع ملی سامان‌دهی کند، حرمت حرفه را پاس دارد، سیستم ساخت‌وساز را ارتقا بخشد و جایگاه مهندسی را به درستی تبیین کند. دوست دارم در این جلسه از خودمان بپرسیم که به راستی ما در برابر این پرسش‌نسل‌های آینده چه پاسخی خواهیم داشت؟ بی شک آن‌ها خواهند پرسید: چگونه بیش از نیم میلیون مهندس گرد آمده در سازمان، دست بر روی دست گذاشتند و نظاره‌گر ماندند تا دیگرانی، که خیلی‌هایشان هم از مهندسی سرشته‌ای نداشتند، برایشان قانون و آیین‌نامه بنویسند و نه تنها سرنوشت شغلی و حرفه‌ای آن‌ها، بلکه سرنوشت حرفه‌ای نسل بعدی را هم رقم بزنند؟

بازنگری درست قانون، بی‌بهره‌گیری از بازخورد بیست و پنج سال اجرای قانون، آیین‌نامه‌ی اجرایی و دستورالعمل‌ها، شیوه‌نامه‌ها

آن‌ها مهندسان را از وارد شدن به هر نوع پهنه‌ی تصمیم‌سازی، حتی مهم‌ترین تصمیم‌های مربوط به سرنوشت حرفه‌ای خودشان باز می‌دارند. هرچند مهندسان، ارائه‌ی خدمات ارزنده به جامعه را مایه‌ی مباحثات خود می‌دانند؛ ولی ویژگی خدمات ارائه شده توسط مهندسان آن است که بیش‌ترشان، فزون بر تأمین نیازهای کوتاه مدت کشور، سرمایه‌ای تمدن‌ساز و ماندگار برپا می‌سازند و بسیاری از دست‌آوردهای آن‌ها تبدیل به میراث فرهنگی کشور می‌شود. این شناخت و شناساندن این جایگاه به مسئولان مربوط از وظایف مهم مهندسان و سازمان‌های نظام مهندسی است؛

۲- در سطح جهانی نیز کره‌ی زمین و تمدن بشری با چالش‌هایی ویران‌گر روبرو است که به گفته‌ی بسیاری از اندیشمندان توسعه‌ی پایدار و زیست‌بوم، برطرف کردن آن‌ها تنها با یاری گرفتن از مهندسان، شدنی است. در آخرین شماره‌ی نشریه‌ی گزارش مقاله‌ای از پروفیسور جفری ساکس چاپ شده، که تأیید کننده‌ی این موضوع است.

بیان این دو نکته، به هیچ وجه سوبه‌ی شوونیستی صنفی و طرح ادعاهای رایج برتری‌جویی حرفه‌ای ندارد. برعکس، یادآوری دوباره این موضوع است که: «وظایف ما مهندسان در برابر توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه‌ی کشور، حفظ کره‌ی زمین و پاس‌داشت زیست‌بوم تا چه حد سنگین است.» وظایفی که در تمام این سال‌ها ما از زیر بار پذیرشش شانه خالی کرده‌ایم، هرچند آن‌هایی هم که در همه‌ی این سال‌ها بر کرسی نابه‌جای تصمیم‌سازی برایمان نشستند، بهتر آن دانستند که با دادن آب‌نبات چوبی‌هایی مانند سهمیه‌های طراحی و نظارت و اجراء، دهان‌مان را شیرین، سرمان را گرم و فکرمان را در چار دیواری منافع صنفی کوتاه مدت و کم ارزش به بند بکشند. باز کردن این نکته‌ها نیاز به بحث‌های گسترده‌ای دارد که زمان



و آیین‌نامه‌های به‌کار گرفته شده در این مدت، شدنی نیست. شوربختانه با گذشت ربع قرن از اجرای گسترده‌ی این اسناد و مدارک در عرصه‌ی ساخت‌وساز کشور، (تا آن‌جا که این‌جانب اطلاع دارم) وزارت راه و شهرسازی، کمیسیون عمران مجلس، شورای مرکزی و هیچ‌یک از سازمان‌های استان‌ها تاکنون یک گزارش علمی و کارشناسی از میزان تحقق اهداف قانون، دست‌آوردها، تنگناها و مشکلات و آسیب‌شناسی برآورده نشدن اهداف محقق نشده تهیه و منتشر نکرده‌اند. بازنگری ریشه‌ای و بنیادین چنین قانون مهمی که با سرنوشت و منافع ملی کشور پیوند می‌یابد، چیزی نیست که بی‌بهره‌گیری علمی از موارد پیش‌گفته و به‌روز رسانی و آینده‌نگری برای نیازهای آینده بتواند از درون بحث‌های سلیقه‌ای چند کارشناس وزارت راه و شهرسازی، کمیسیون عمران مجلس، شورای مرکزی یا اعضای سازمان، در اتاق‌های در بسته یا در باز، که در بهترین حالت، پشتوانه‌ی اطلاعاتی‌شان تجربیات شخصی‌شان و تحلیل‌های متکی بر آن تجربیات است، شدنی باشد.

برداشتن چنین گام‌هایی نیازمند شجاعت و عشق حرفه‌ای و گسستن از باورهای استوار بر یأس و ناامیدی است. نیک می‌دانم که هرگونه تلاش گروهی سازمان برای تهیه‌ی قانونی مترقی ممکن است با وتوی وزارت راه و شهرسازی، دولت، مجلس و ... روبرو شود؛ ولی مگر قرار است ترس از چنین مخالفت‌هایی ما را از انجام وظایف تاریخی حرفه‌ای‌مان باز دارد؟ باور داشته باشیم که هر قانون کارشناسی شده، سنجیده و پیش‌رویی، نهایتاً روزی جایگاهش را پیدا خواهد کرد. پی‌گیری و کوشش ما می‌تواند آن روز را نزدیک‌تر کند. برای پیمودن چنین مسیرهایی باید یک گروه پا به پیش گذارند و گام نخست را بردارند. اگر همه به امید دیگری بنشینند، به قول

حمید مصدق:

من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی

چه کسی برخیزد؟

بسیاری از اعضای شورای نویسندگان نشریه‌ی گزارش، شورای مشورتی و دیگر همکاران در مناسبت‌های گوناگون از رییس محترم سازمان درخواست کرده‌اند که سازمان نظام مهندسی ساختمان استان فارس با بهره‌مندی از پشتوانه‌ی قوی کارشناسی بدنه‌ی سازمان و بررسی‌ها و نقدهایی که اعضایش بر روی قانون و آیین‌نامه‌ی اجرایی انجام داده‌اند پیش‌گام شود و سازمان‌های دیگر را هم به ضرورت وارد شدن جدی به بحث اصلاح قانون فراخواند. این کار نیازمند هماهنگی و ترسیم نقشه‌ی راهی است که نباید برای انجامش، بیش از این زمان را از دست داد. باید قبل از آن که ویرایش جدید قانون در مجلس تصویب و توسط دولت ابلاغ شود، گزینه‌ی پیشنهادی هماهنگ سازمان‌های نظام مهندسی به مجلس رفته باشد. اعضای شورای نویسندگان نیز، بنا بر مسئولیتی که در این باره بر دوش احساس می‌کنند، پیشنهادهاتی برای اصلاح بنیادین قانون دارند که قرار است در نخستین شماره‌های سال نو نشریه، آن‌ها را با اعضای سازمان به اشتراک گذارند، ضمن آن‌که پذیرای

نوشته‌های همه‌ی همکاران در این باره هستند.

از زمانی که افتخار خدمت‌گذاری به اعضای سازمان در هیأت مدیره را داشتیم تاکنون، همواره یکی از درخواست‌هایم آن بوده است که هیأت مدیره نباید تمام وقتش را صرف امور روزمره و جاری کند، بلکه در کنار انجام این کارها، باید زمان ویژه‌ای را به بحث‌های اساسی‌تر حرفه و سازمان اختصاص دهد. برای سال جدید موارد بسیار زیادی است که قابل طرح است. با توجه به اولویت‌بندی‌ها، موارد زیر را به دلیل اهمیت فراوانی که دارند پیشنهاد می‌کنم. بخش عمده‌ی مطالعات کارشناسی این طرح‌ها در سال‌های پیش انجام شده است و تنها نیاز به عزم و اراده‌ی جدی هیأت مدیره‌ی محترم برای قرار دادن آن‌ها در دستور کار اجرا دارد.

- ۱- پی‌گیری موضوع اساسی وارد شدن جدی سازمان(ها) به موضوع اصلاح قانون؛
- ۲- راه‌اندازی هرچه سریع‌تر دوره‌های آموزشی ویژه‌ی مهندسان خواهان ورود به حرفه؛
- ۳- نهایی کردن «شرح خدمات مهندسی» و رایزنی برای اجرای تدریجی آن؛
- ۴- پذیرش نقش محوریت برای اجرای عملی مبحث ۲۲ مقررات ملی ساختمان در شیراز.

اخلاق و فرهنگ

محمدرضا راهنما



به نام خدای جهان آفرین
زمین آفرین، آسمان آفرین
بزرگ آفریننده بود و هست
که بالاتر از دست او نیست دست
به بینندگان آفریننده را
توان دید، بگشا رو بیننده را^۱

آغاز سال نو را به همه‌ی همکاران، خانواده‌ی آن‌ها، اندیشمندان گرامی و مسئولان مسئولیت‌پذیر شهر و استان‌مان شادباش می‌گویم و از هیأت مدیره‌ی محترم که برنامه‌ریزی این دیدوبازدید را فراهم کرده‌اند، سپاسگزاری می‌نمایم.





با دو بیت از حکیم توس که نوعی دعای تحویل سال است آغاز می‌کنم:

گشت گرداگرد مهر تابناک ایران زمین

روز نو آمد و شد شادی برون زندر کمین

ای تو یزدان، ای تو گرداننده مهر و سپهر

برتر نیش کن برایم این زمان و این زمین

موضوعی که برای صحبت من در نظر گرفته شده، فرهنگ و اخلاق است.

در فرهنگ فشرده‌ی «سخن» تألیف دکتر حسن انوری، تعریف‌هایی که برای این دو واژه آورده شده عبارت‌اند از:

«فرهنگ، پدیده‌ی کلی و پیچیده‌ای از آداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه‌ی زندگی است که در طی تجربه‌ی تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است» و «اخلاق، مجموعه‌ی اصول و ارزش‌های عموماً پذیرفته شده‌ای است که درستی یا نادرستی و خوبی یا بدی رفتار و شخصیت افراد یک جامعه را مشخص می‌سازد.»

ولی آیا این تعریف‌ها ازلی و ابدی هستند و بر اساس شرایط زندگی و اوضاع و احوال سیاسی جامعه قابل تغییر نیستند؟ مثلاً روزگاری گفته می‌شد دستت را روی کلاه خودت بگذار که باد نبرد، یعنی منافع فردی را بر منافع جمع مقدم می‌شمردند، اما امروز می‌بینیم که در شرایط سخت مردم چگونه به هم‌نوعان خود یاری می‌رسانند.

و این مورد را ما ایرانیان در شروع انقلاب و جنگ تحمیلی و هنگام رخدادهای طبیعی مانند زلزله و آتش و سیل به خوبی نشان دادیم. و یا روزگاری برای خرید خانه و تولد نوزادان و اتومبیل، گوسفند قربانی می‌کردند، اما اخلاق نیک در این دوره حکم می‌کند که به جای آن، درخت کاشته شود. زمانی برده‌داری نشانه‌ی شخصیت و تمول بود، ولی امروز مطرود و نشانه بی‌شخصیتی است و می‌بینیم که امروز نه تنها بنی‌ادم اعضای یک پیکرند، بلکه برای حیوانات و گیاهان نیز ارزش قائل می‌شویم؛ زیرا بشر فهمیده است که خداوند هرچه آفریده از روی حکمت بوده و طبیعت و محیط زیست نباید دست‌خوش تغییر و دگرگونی شود.

هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، نه تنها بین انسان‌ها باید برقرار باشد، بلکه بین انسان و محیط زیست هم باید اجرا شود. خوشبختانه، ایرانیان از دیرباز به این مهم توجه داشته و در تمام اعیاد و مراسم سالانه، طبیعت و محیط زیست و عناصر چهارگانه‌ی آب و باد و خاک و آتش را محترم می‌شمارده‌اند و کاشتن سالی یک درخت برای هر فرد فریضه بوده است.

شوربختانه، پاره‌ای از این فرهنگ و اخلاق، طی سده‌های گذشته به فراموشی سپرده شده که باید در احیای آن‌ها کوشش نمود.

در مسیحیت سده‌های میانه، مردم، رمه و گوسفند تصور می‌شدند، کشیشان و علمای دینی، چوپان و شبان. ولی امروز می‌بینیم که بسیاری از آن فرهنگ‌ها و اخلاقیات را خود علمای دینی رد می‌کنند و از دانشمندانی که با آن‌ها مخالف بودند و یا توسط آن‌ها از بین رفته‌اند، عذرخواهی می‌کنند.

پس فرهنگ و اخلاق، مطلق نیستند و باید تغییر یابند، همان‌گونه که در تعریف سواد اخیراً می‌گویند شخص باسواد فقط کافی نیست

که خواندن و نوشتن و چند زبان بلد باشد و به رایانه مسلط باشد، بلکه باید بتواند تغییرات اصولی و درست را در شیوه‌ی زندگی به وجود آورد.

خواجیه‌ی شهرمان به رهبران جامعه چه خوش گفته:

«آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا»

یکی از مدیران موفق ژاپنی نقل قولی دارد که «اگر به منافع همگان توجه شود، منافع فرد در امن‌ترین شرایط تأمین می‌شود.» منافع هم کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت دارد. دیدیم به ویژه در سیل اخیر، آن‌ها که دنبال منافع کوتاه مدت خود بودند چقدر خسارت دیدند.

برخی به حق و یا به ناحق، بخشی از کوتاهی‌ها را به سازمان نظام مهندسی هم نسبت می‌دهند، زیرا ما هم باید بدانیم که هر کاری را صرفاً به خاطر منافع کوتاه مدت نپذیریم و به پی‌آمدهای بد آن ببینیم؛ به‌ویژه ما که در اخلاق و فرهنگ گذشته خود اندیشه‌ی نیک، گفتار نیک و کردار نیک داشته‌ایم.

بد نیست یادی هم از زنده یاد مهندس ابراهیم حجری بکنم که در سفری که به ژاپن داشت و در نشریه‌ی گزارش سازمان هم درج شده است، می‌گفت که در آن کشور هر پروژه‌ای که شورای شهر و شهرداری در صدد طراحی و اجرای آن است، با مردم آن منطقه در میان می‌گذارد و نظرخواهی می‌کند و البته این رسم در کشور ما هم برای طرح‌های جامع و تفصیلی انجام می‌شد که شوربختانه به فراموشی سپرده شده است.

این شیوه‌ی تصمیم‌گیری که در پروژه‌های عمرانی چند دهه‌ی گذشته صورت گرفته، بیش‌تر به خاطر تأمین بودجه‌ی چند کلان شهر بوده و موجب تخلفاتی چون اضافه تراکم و بی‌توجهی به سرانه‌های شهرسازی شده است که غالباً توسط صاحبان قدرت بدون مسئولیت و دارای اختیار بیش از حد بوده است.

آموزه‌ی دیگری که از دوران تحصیل داشته‌ایم، آن است که مجتهدان و عالمان دین می‌توانند در شرایط گوناگون زندگی با توجه به اوضاع و احوال زمان، اجتهاد نمایند.

سخن آخر، این که متضاد عشق، در واقع نفرت نیست، بلکه بی‌تفاوتی است. اخلاق واقعی آن است که مشکلات گفته شود، زیرا آیندگان به ما خواهند گفت چرا نگفتید. اخلاق خوب آن است که ببینیم در اندیشه و گفتار و کردارمان بر مردم و ملت‌های دیگر چه تأثیری می‌گذارد و به پی‌آمدهای هر کاری توجه کنیم و فقط به خاطر آن دنیا کار خوب انجام ندهیم.

باید بیش‌تر به فکر اقتصاد و رفاه ملت خود و آبادانی و توسعه‌ی پایدار خانه‌ی خودمان و میهن عزیزمان باشیم تا دیگران ببینند و الگوبرداری کنند.

سیل اخیر اگرچه خسارات زیاد مالی و جانی برایمان داشت؛ لیکن به مصداق - «خدا گر ز حکمت ببندد دری، ز رحمت گشاید در دیگری» - فرصت‌هایی نیز به بار آورد، مانند پر شدن مخزن سدها و تالاب‌ها و پیش‌گیری از پراکنده شدن ریزگردها. یادمان باشد که

همان‌طور که فضای سبز، ریه‌ی شهر است، تالاب‌ها هم «کلیه‌ی» شهر است که تصفیه‌کننده‌ی آلودگی‌های هواست.

آن‌چه را داریم درست نگهداری و تعمیر کنیم و علم و دانش را پاس داریم و شکرانه‌ی نعمت به جا آوریم به جای کفران نعمت. از خداوند دانا و توانا آرزو می‌کنیم با تلاش و احساس مسئولیت بیشتر، سالی بهتر از سال‌های گذشته در پیش رو داشته باشیم و در پایان، سفارش مجدد خواجه‌ی شیراز را یادآوری می‌نمایم:

«درخت دوستی بنشان که کام دل بیار آرد
نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد»

نیاز به تفکر بیشتر

طاهره نصر



نخست سال نو را شادباش می‌گوییم؛ گرچه می‌دانیم رویداد سیل اخیر و آوارگی و جان باختن هم‌میهنان عزیزمان در همین روزها کام‌مان را تلخ کرده است و امیدوارم دیگر بار چنین نشود با تدبیرها و تمهیدهای بایسته، نکاتی چند را شتابان یادآور می‌شوم:

هویت طبیعی شهرهایمان که متأسفانه دست‌خوش ساخت‌وسازهای بی‌کمران شده است. توسعه‌های ناهمگونی که بر شهرهای ما تحمیل می‌شود، انضباط شهری که فدای قوانین و مصوبات تحمیلی بر کالبد شهر می‌شود. شاید بتوان عمده‌ی مشکلات ایجاد شده را در ضعف‌های اساسی طرح‌های بالادستی توسعه‌ی شهر و نادیده گرفتن بحث‌هایی از قبیل هیدرولوژی و مهار سیلاب‌ها در مطالعات جامع دانست. همچنین، چاه‌های جذبی که می‌تواند به عنوان راه‌کاری برای مدیریت منابع آبی باشد که امروزه نادیده گرفته می‌شود. مکان‌یابی در بحث‌های شهرسازی و ساخت‌وساز شهری، مطلبی بسیار حائز اهمیت است که در توسعه‌های شهری به دست فراموشی سپرده شده است.

اما باید از تهدید حادث شده بر کشور به عنوان فرصت استفاده نمود. در این راستا، پیشنهادهای خود را هر چند از زمان حادثه تلخ پلاسکو تاکنون بارها گفته‌ام، باز هم تکرار می‌کنم.

۱- تدوین مبحث مدیریت بحران به عنوان مبحثی از مباحث مقررات

ملی ساختمان ضروری است. قطعاً این مبحث می‌تواند با پشتوانه‌ی علمی مهندسان هفت رشته‌ی ساختمانی، بحران را مدیریت کند. مدیریت بحران فقط به زمان بعد از حادثه اختصاص ندارد، بلکه به پیش‌گیری از بحران نیز اختصاص دارد. بنابراین، تمام رشته‌های ساختمانی به ویژه شهرسازی و معماری در آن دارای جایگاه می‌باشد؛ ۲- اجرایی نمودن مبحث ۲۲ مقررات ملی ساختمان که چگونگی انجام آن برای رشته‌ی معماری با تدوین چک‌لیست‌هایی به سرپرستی این‌جانب در شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی تهیه گردید و به صورت کتابچه‌ای به استان‌های مختلف ارسال شد. امید آن‌که بتوان برای سایر رشته‌های ساختمانی نیز چک‌لیست‌های لازم را تهیه نمود. همچنین، توجه به بافت و نه فقط تک بنا در مبحث ۲۲ ضروری است؛ چرا که نگهداری از بافت‌های شهری نیز امری ضروری است و فقط نگهداری از ساختمان نباید مدنظر باشد. این مورد را نیز به عنوان یک پیشنهاد برای اصلاح این مبحث به شورای مرکزی و وزارت راه و شهرسازی ارئه نموده‌ام؛

۳- توجه به بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری و ورود جدی سازمان نظام مهندسی ساختمان در این بحث. با توجه به بافت‌های ناکارآمدی که در حادثه سیل اخیر نیز بر کشور تحمیل شد، سازمان نظام مهندسی برای توانمند کردن این بافت‌ها باید به صورت جدی ورود نماید؛

۴- همچنین، به جد باید پدافند غیرعامل را در ساخت‌وسازهای شهری مدنظر قرار داد. پدافند غیرعامل به معنای اصولی پیشگیرانه است که کاهش آسیب‌پذیری در هنگام بحران را با بهره‌گیری از فعالیت‌های غیر نظامی و فنی و مدیریتی به دنبال دارد و از وارد شدن خسارات مادی و تلفات انسانی جلوگیری نموده و یا میزان این خسارات و تلفات را به حداقل می‌رساند. این‌که فقط کمیته‌ای به نام پدافند غیرعامل تشکیل شود، کارساز نیست. بایستی در ساخت‌وسازها مسأله‌ی پدافند غیر عامل در شهرسازی به خصوص در مکان‌یابی‌ها مدنظر قرار گیرد؛

۵- اصلاح قانون نظام مهندسی ساختمان از مواردی است که سازمان‌های نظام مهندسی باید نظر خود را در این باره اعلام نمایند. به زعم این‌جانب (که در خبرگزاری خبرآنلاین در تاریخ ۱۷ تیر ۹۷ تحت عنوان «اما و اگرهای نظارت بر سازمان نظام مهندسی/ ادغامی که بخش خصوصی را کنار می‌زند» و در تاریخ ۲۵ تیر ۹۷ تحت عنوان «نکاتی درباره‌ی اصلاح قانون نظام مهندسی ساختمان» نظرم را پیرامون این بحث اعلام نمودم)، با تغییر وزارت راه و شهرسازی به نظام فنی اجرایی و در واقع، قرارگیری سازمان نظام مهندسی به عنوان زیرمجموعه‌ی نظام فنی و اجرایی مشکل حل نمی‌شود. در طرح اصلاح قانون موارد اساسی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. مواردی از قبیل بیمه‌ی مسئولیت مهندسان، اصلاح روند ساخت‌وساز و ... که بسیار مهم است.

به نظر می‌رسد تحت تأثیر تنش‌ی که در دوره‌ای خاص میان وزارت راه و شهرسازی با سازمان نظام مهندسی ساختمان ایجاد شد، پیشنهاد دهندگان اصلاح قانون، صلاح را در حذف وزارت راه و شهرسازی دیدند که این مورد نیاز به تفکر بیشتر دارد. ■

